

حق پاسخگویی در رسانه از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق ایران

سید یاسر ضیایی^{۱*}، جواد طباطبائی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۰

دریافت: ۹۰ / ۴ / ۱۲

چکیده

حق پاسخگویی برای ایجاد تعادل میان دو ارزش ایجاد شد: آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات صحیح. رسانه‌ها ممکن است خواسته یا ناخواسته اطلاعات تحریف‌شده و گمراه‌کننده‌ای منتشر کنند و متعاقباً منافع مشروع دیگران را به خطر بیندازند. اشخاص متضرر از اطلاعات نادرست در رسانه‌ها برای اصلاح اظهارات منتشر شده می‌توانند با توجه به ظرفیت‌های حقوقی موجود در این زمینه اقدام کنند. حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل متضمن سازوکارهایی هستند تا دولت‌ها و اشخاص خصوصی بتوانند مسئولیت رسانه مستقل یا دولتی را به استناد حق پاسخگویی مطرح سازند. جمهوری اسلامی ایران هرچند به کنوانسیون حق بین‌المللی صحیح نپیوسته است، اما براساس قوانین فعلی ایران، اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی اعم از افراد و دولت‌ها می‌توانند در برابر مطبوعات، رادیو و تلویزیون به حق پاسخگویی استناد کنند. نظام حقوقی حاکم بر حق پاسخگویی در ایران، اکثر شروط در نظر گرفته شده در اسناد ملی و بین‌المللی مختلف را مد نظر قرار داده و حق پاسخگویی را صریحاً به اشخاص حقوقی نیز اعطا کرده است که می‌تواند شامل دولت‌ها نیز بشود.

واژگان کلیدی: حق پاسخگویی، حق تصحیح، حق انتشار اطلاعات تکمیلی، آزادی اطلاعات، رسانه گروهی

۱. مقدمه

مقارن شدن ظهور رسانه‌های نوین با توجه جامعه جهانی به حقوق بشر، موجب طرح این ایده شد که انسان‌ها واجد حق نوینی شده‌اند تحت عنوان «حق دسترسی به اطلاعات» که توسط رسانه‌های گروهی محقق می‌شود. توسعه کمی و کیفی این رسانه‌ها در زمانی کوتاه موجب شد تا وابستگی انسان‌ها به اطلاعات ارائه شده از سوی رسانه‌ها بیشتر شده، بسیاری از تصمیم‌گیری‌های خود را مبتنی بر این اطلاعات کنند. رسانه‌ها چه دولتی باشند و چه خصوصی، بعضاً در راستای منافع خود دست به تحریف اخبار و واقعیات می‌زنند. در واقع، رسانه‌ها از حق آزادی اطلاعات در راستای اهداف پیدا و پنهان خود سوء استفاده کرده، به ارسال اخبار مجعول و اظهارات نادرست اقدام می‌کنند. به همین دلیل برخی معتقدند که لازم است قیدی به حق دسترسی به اطلاعات اضافه شود تا جریان صحیح اطلاعات را تضمین کند. لذا از «حق دسترسی به اطلاعات صحیح» سخن به میان آمده است.

انتشار اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده علیه اشخاص خصوصی و عمومی، از جمله دولت‌ها^۱ ضمن آن‌که می‌تواند ناقض چنین حقی باشد، واجد پیامدهای نامطلوبی در زیست اجتماعی ملی و بین‌المللی است. به همین دلیل لازم است به دنبال اعتراض شخص زیان‌دیده، سازوکار «حق پاسخگویی» به جریان بیفتد. اهمیت این حق به‌عنوان یک حق اساسی و امکان انتشار اطلاعات نادرست از رسانه‌های فراملی موجب شده است تا حق پاسخگویی مورد توجه اسناد و رویه بین‌المللی هم قرار گیرد. ضمن بررسی سازوکارهای شکلی و ماهوی حق پاسخگویی در حقوق بین‌الملل به مقایسه آن با نظام حق پاسخگویی در حقوق ایران خواهیم پرداخت.

۲. تعریف حق پاسخگویی

حق پاسخگویی^۲ مبتنی بر دو بخش است: انتشار خبر نادرست و ایجاد حق پاسخگویی برای

۱. انتشار اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده علیه دولت‌ها از سوی سازمان‌های دولتی و غیردولتی و رسانه‌های فراملی، امری دارای سابقه است که بعضاً می‌تواند در کاهش وجهه دولت مربوط در قبال موضوعاتی چون حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، تروریسم و امنیت برای سرمایه‌گذاری تأثیر بسزایی داشته باشد. برخی از اخبار رسانه‌ای که مبتنی بر اطلاعاتی نادرست علیه دولت‌ها بودند عبارتند از: دولت عراق، کودکان کویتی را در بیمارستان به قتل رساند (۱۹۹۰)، نیروی نظامی آمریکا در جنگ ویتنام از گازهای اعصاب استفاده کرد (۱۹۹۸)، عراق واجد سلاح‌های کشتار جمعی است (۲۰۰۳)، بازجویان آمریکایی در خلیج گوانتانامو به قرآن بی‌احترامی کردند (۲۰۰۵)، آمار مرگ‌ومیر نوجوانان در بولیوی بسیار بالا است (۲۰۰۷)، ایران شهروندان غیرایرانی را ملزم به الصاق علامت تمایز شخصیت کرد (۲۰۰۶) [۱، ص ۱۳۵].

2. right of reply

ذینفع؛ چه ذینفع شخص خصوصی (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) باشد و چه شخص عمومی (اعم از دولت و سازمان‌های بین‌المللی). اسناد بین‌المللی بنا به فراخور خود ابعادی از حق پاسخگویی را تعریف و تشریح کرده‌اند.

ماده ۱۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در تعریف حق پاسخگویی بیان می‌دارد: «هر شخص متضرر از بیانات و ایده‌های نادرست یا مجرمانه که توسط یک رسانه نظام‌یافته و قانونی، به طور عمومی انتشار یافته است، حق پاسخگویی یا تصحیح با استفاده از همان رسانه را تحت همان شرایط خواهد داشت». دیوان آمریکایی حقوق بشر دو قاعده تفسیری برای ماده ۱۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بیان می‌دارد: اولاً این مقرر باید در معنای متداول و با حسن‌نیت تفسیر شود و ثانیاً در پرتو هدف این کنوانسیون تفسیر گردد که عبارت است از شناسایی حقوق و آزادی‌های افراد، نه اعطای اختیار به دولت برای این منظور [۲]. ماده ۱ طرح کمیته وزیران شورای اروپا در خصوص «حق پاسخگویی در فضای رسانه‌های نوین»^۱ مورخ ۲۰۰۴ نیز حق پاسخگویی را چنین تعریف کرده است: «امکان واکنش به هرگونه اطلاعاتی که شامل حقایق نادرست هستند و از سوی رسانه‌ها منتشر شده‌اند و حقوق شخصی را تحت تأثیر قرار داده‌اند».^۲

«کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح»^۳ صریحاً به تعریف این حق نمی‌پردازد، اما در ماده ۲ بیان می‌کند که «در مواردی که یک دولت عضو مدعی آن است که انتشار یک خبر از یک دولت عضو به دولت دیگر از طریق خبرنگاران یا آژانس‌های خبری متعلق به دولت عضو یا غیرعضو کنوانسیون، مستعد لطمه به روابط آن دولت با سایر دولت‌ها یا جایگاه و شخصیت اتباع آن دولت باشد» حق پاسخگویی به جریان می‌افتد.^۴ همان‌طور که واضح است این کنوانسیون تنها به جنبه حق پاسخگویی برای دولت‌ها نظر دارد و حق پاسخگویی برای

1. Draft Recommendation of The Committee of Ministers To Member States on The Right of Reply in the New Media Environment

۲. حق پاسخگویی در حوزه‌های دیگری چون روابط کارگر و کارفرما نیز مطرح شده است. مانند قانون واگنر (Wagner) که بیان می‌دارد: «کارفرما حق دارد در ساعات کاری علیه تجمع کارگران تبلیغاتی ترتیب دهد، بدون آن‌که متقابلاً حق پاسخگویی به کارگران اعطا شود» [۱۴، ص ۱۰۶۶].

3. Convention on International Right on Correction

۴. هدف کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح، «حفظ روابط دوستانه میان افراد... در مقابل انتشار گزارش‌های نادرست» است که در مقدمه کنوانسیون ذکر شده است. کشورها زمانی حق پاسخگویی دارند که گزارش‌های منتشر شده، نادرست و مخرب باشند و یا به روابط با سایر کشورها لطمه بزنند. به نظر می‌رسد گزارش‌های مورد نظر این کنوانسیون با توجه به هدف و موضوع کنوانسیون، گزارش‌هایی است که به طور کلی موجب لطمه به روابط دوستانه بین افراد شود [۱، ص ۱۱۸].

سایر اتباع حقوق بین‌الملل، از جمله افراد را از حوزه شمول خود خارج کرده است. حق پاسخگویی معمولاً در کنار مفاهیمی دیگر مانند «حق تصحیح»^۱ و «حق انتشار اطلاعات تکمیلی»^۲ مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳ در حالی که حق پاسخگویی مربوط به اصلاح گزارش‌هایی است که به آبرو، شخصیت و حریم خصوصی اشخاص مربوط می‌شود، صرف‌نظر از این‌که این گزارش‌ها منطبق با واقعیت باشند و یا خیر، حق تصحیح تنها در مواردی مطرح است که اثبات شود واقعیت جز آن چیزی است که منتشر شده است و لذا واقعیتی عینی برای تصحیح گزارش ارائه می‌شود.^۴ براساس حق انتشار اطلاعات تکمیلی اگر هویت شخصی که در جریان یک رسیدگی قضایی است به نحوی از سوی رسانه فاش شود که آن شخص قابل شناسایی باشد، وی این حق را خواهد داشت که از رسانه بخواهد نتیجه نهایی رسیدگی قضایی را منتشر کند.

۳. حق پاسخگویی: نظرهای موافق و مخالف

حق پاسخگویی در نگاه اول، با چند حق بشری در تعارض است: «حق دسترسی به اطلاعات»، «حق آزادی بیان» و «حق آزادی مطبوعات».^۵ اما اولاً باید توجه داشت که این حقوق از حقوق نسل اول بشری محسوب می‌شوند که با ترک فعل دولت (عدم مداخله دولت) محقق می‌شوند؛ اما برای تضمین اجرای حق پاسخگویی، همچون حقوق نسل دوم بشری، نیاز به مداخله فعالانه دولت در آن وجود دارد. ثانیاً در صورتی که یک رسانه مستقل نبوده، بلکه دولتی باشد، حق پاسخگویی به‌عنوان امتیازی برای شهروندان در برابر حاکمیت محسوب می‌شود که خود امری حقوق بشری خواهد بود. بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی اذعان داشته‌اند در مواردی که رسانه دولتی بوده و قربانی اطلاعات نادرست نیز دولتی دیگر، برای جلوگیری از یک اختلاف بین‌المللی، حق پاسخگویی سازوکار مفیدی خواهد بود [۳].

بزرگ‌ترین انتقاد به حق پاسخگویی این است که این حق می‌تواند مانع از جریان آزاد اطلاعات و توسعه آزادی بیان شود. حق پاسخگویی به علت محدود کردن آزادی بیان مورد

1. right of correction

2. right of supplementary information

۳. در قوانین اسلواکی سه تأسیس حقوقی وجود دارد که بر اساس آن می‌توان اخبار انتشار یافته را اصلاح کرد: حق پاسخگویی، حق تصحیح و حق انتشار اطلاعات تکمیلی [۱۸، ص ۱۱].

۴. هرچند کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح از عبارت «تصحیح» استفاده کرده، اما به نظر می‌رسد این کنوانسیون مفهوم تصحیح را با مفهوم پاسخ، یکسان تلقی کرده است.

۵. گفته شده است که حق پاسخگویی و حق دسترسی به رسانه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند [۹، ص ۱۰۱۹].

انتقاد قرار گرفته؛ چرا که رسانه‌های خبری را ملزم به تعلل و تأمل در اطلاع‌رسانی می‌کند که اقدامی غیرحرفه‌ای است [۴]. در همین راستا، دیوان اروپایی حقوق بشر اذعان می‌دارد که «تضمین صحت محتوای اظهارنظرها می‌تواند منجر به سانسور رسانه‌های خبری و مانع از گفتگوهای سیاسی مبتنی بر اعتقادات شخصی شود» [۵]. در سال ۲۰۰۳ کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز درخصوص تعارض میان «حق پاسخگویی» و «آزادی مطبوعات»^۱ به بررسی نشست. این کمیسیون در حل تعارض میان حق پاسخگویی و آزادی مطبوعات چنین بیان داشت: «درخواست اعمال حق پاسخگویی باید مورد موشکافی دقیق قرار گیرد تا موجب لطمه به آزادی بیان نشود» [۴]. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر به طور تلویحی به شرایط دقیق و متعدد اعمال حق پاسخگویی اشاره دارد تا این حق به جای جلوگیری از انتشار بیانات نادرست، تبدیل به ابزاری برای مداخله در کارویژه رسانه‌ها نشود.

در نفی این نگرش، گفته شده است که حق پاسخگویی می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری در تقویت گفتمان آزادی بیان نقش‌آفرینی کند و به عبارت دیگر به ایجاد مفهوم «بازاری از ایده‌ها»^۲ جامه عمل بپوشاند. یکی از اهداف حق پاسخگویی، ترویج ایده‌های بیشتر و مباحثات سیاسی حرفه‌ای‌تر و در نتیجه، ترویج و تقویت آزادی بیان است [۶]. با این حال، اگر هدف صرفاً تقویت آزادی بیان باشد، حق پاسخگویی برای این امر کافی نیست و به طور مثال باید به گروه اقلیتی که نادیده گرفته شده است نیز حق پاسخگویی داده می‌شد [۷، ص ۱۰۶۵]. حق پاسخگویی در رویه قضایی حقوق نوشته به‌عنوان ترویج‌کننده آزادی بیان و در حقوق عرفی به‌عنوان مانعی در برابر آزادی بیان تلقی می‌شود [۸، ص ۱۴۵]. در حقوق عرفی، این عقیده وجود دارد که در جوامع دموکراتیک، نیازی به وجود چنین حقی نیست [۹، ص ۱۰۵۰].

در ارتباط با ارائه اطلاعات نادرست علیه دولت‌ها از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای، دو نظریه کلی ارائه شده است. نظریه اول که از سوی آمریکا و انگلستان مطرح گردیده، این است که دسترسی افراد به اطلاعات باید گسترده‌تر و آزادانه‌تر شود [۱۰]. نظریه دوم که از سوی اتحاد جماهیر شوروی سابق دنبال شد مبتنی بر تعهد دولت‌ها در محدود کردن اظهارات نادرست و مجازات متخلفان بود [۱۱]. این نظر به نوعی به سانسور قانونی در دوران صلح اشاره دارد [۱۲، ص ۱۴۱]. اما راه‌حل بینابین برای این دو دیدگاه افراطی، راه‌حلی است که از

1. freedom of the press

۲. به طور مثال تجربه کشورهای اروپایی نشان داده است که حق پاسخگویی نه‌تنها در تعارض با آزادی بیان نبوده است، بلکه موجب تقویت آزادی اطلاعات شده است [۹، ص ۱۰۶۳].

سوی کنوانسیون حق تصحیح مورد پذیرش قرار گرفته که عبارت است از جریان آزاد اطلاعات و امکان اصلاح و تصحیح آن از سوی دولت زیان‌دیده از طریق همان رسانه و یا رسانه‌های بین‌المللی که در اختیار دبیرکل سازمان ملل قرار دارد. تهیه‌کنندگان کنوانسیون حق تصحیح، بر این عقیده بودند که مقررات مربوط به حق پاسخگویی روش خوبی برای طرح مسئولیت حرفه‌ای فعالان رسانه‌ای است [۹، ص ۱۰۱۷].

به طور خلاصه باید اقرار کرد که هرچند حق دریافت اطلاعات صحیح و حق ارباب رسانه در حفظ معیارهای حرفه‌ای رسانه، مانند سرعت عمل در انتقال اطلاعات، مجموعه‌ای از منافع متضاد را ایجاد می‌کند، اما حق پاسخگویی راه‌حل مناسبی برای این تضاد منافع است [۱۳، ص ۵۵۱]. به عبارتی دیگر، حق پاسخگویی توازنی میان «حق آزادی خبرنگاران رسانه» و «حق افراد در دریافت و انتشار اطلاعات صحیح» برقرار می‌سازد [۹، ص ۱۰۲۰].

۴. شروط حق پاسخگویی

اسناد ملی و بین‌المللی، مانند قوانین داخلی، رویه قضایی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، معاهدات بین‌المللی و قطعنامه‌های بین‌المللی، شرایطی را برای اعمال حق پاسخگویی اعلام کرده‌اند که بسیاری از آن‌ها مشترکند.

۴-۱. شرایط ادعای حق پاسخگویی

اولین شرط لازم برای ادعای حق پاسخگویی عبارت است از نادرست بودن اظهارات منتشرشده در یک رسانه که موجب نقض حقوق شخص، اشخاص و یا دولتی خاص شود. اما این شرط با برداشت‌های متفاوتی مواجه بوده است. در حالی که آلمان حق پاسخگویی را تنها درخصوص «وقایع عینی» پذیرفته است (رویگرد مضیق)، فرانسه درخصوص «اظهار عقاید» نیز این حق را پذیرفته تا شخص بتواند از منظر خود پاسخ دهد (رویگرد موسع) [۱۴، ص ۸۸۷]. در همین راستا کمیسیون آمریکایی حقوق بشر با اتخاذ رویکرد آلمانی تأکید کرده است که «لازم است حق پاسخگویی تنها به بیان حقایق^۱ و اطلاعاتی با ماهیت واقعی^۲ محدود شود و بیان عقاید^۳ و نظرها^۴ از شمول آن خارج گردد» [۹، ص ۱۰۲۵]. ماده ۲ طرح شورای اروپایی نیز حق پاسخگویی را تنها

1. statements of facts
2. information of a factual nature
3. expression of opinion
4. commentary

ناظر بر اشتباهات واقعی^۱ دانسته است، نه نگرش‌ها.^۲ کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح، صریحاً یکی از دو رویکرد موسع یا مضیق درخصوص محتوای اظهارات منتشر شده را اتخاذ نکرده است، اما در ماده ۲ و ۳ این کنوانسیون از عبارت «وقایع»^۳ استفاده شده که بیانگر رویکرد مضیق این کنوانسیون به حق پاسخگویی در اختلافات رسانه‌ای میان دو دولت است. درخصوص محتوای اظهارات منتشر شده که متضاد با منافع اشخاص و دولت‌ها است نیز شرایطی وجود دارد. به طور مثال، بسیاری از دولت‌ها حق اصلاح و پاسخ را تنها در مواردی قابل اعمال می‌دانند که آبرو^۴ و عزت^۵ اشخاص مورد تجاوز قرار گرفته و یا ادعاهای بی‌اساس^۶ مطرح شده باشد. بر این اساس لازم است مدعی بتواند نفع واقعی و مشروع خود را در ارتباط با اظهارات منتشر شده اثبات کند. به نظر می‌رسد که مشروع بودن منافع درخصوص حق پاسخگویی برای دولت‌ها نیز موجه باشد؛ چه آن‌که اظهار نادرستی که به منافع «نامشروع» یک دولت لطمه بزند نمی‌تواند مبنایی برای مطالبه حق پاسخگویی باشد. به طور مثال، اگر رسانه‌ای از عدم همکاری جامعه بین‌المللی در اعمال تحریم‌های یکجانبه و فراسرزمینی ایالات متحد آمریکا علیه ایران خبر دهد، در صورتی که تحریم فراسرزمینی مغایر با حقوق بین‌الملل تلقی شود، آمریکا نمی‌تواند مدعی حق پاسخگویی شود.

۲-۴. شرایط پاسخ ارائه شده

زمانی که پاسخ و اصلاحیه از سوی شخص زیان‌دیده به رسانه مربوط ارائه می‌شود تا منتشر شود، مسئله شرایط پاسخ ارائه شده مطرح می‌گردد. شروط مختلفی برای پاسخ در اسناد بین‌المللی ذکر شده که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد:

اول) شرط کمی پاسخ: طرح شورای اروپا و قوانین داخلی بسیاری از دولت‌ها بیان داشته‌اند که پاسخ ارائه شده نباید بیش از حد طولانی باشد.

دوم) شرط کیفی پاسخ: لازم است که پاسخ تنها به تصحیح حقایق مورد اختلاف محدود

1. factual inaccuracies
2. opinions
3. facts
4. reputation
5. honour
6. unfounded allegation

۷. به طور مثال اصل ۲۲ قانون اساسی ترکیه بیان می‌دارد: «مطبوعات در موارد ذیل از حق تصحیح (مطلب منتشر شده) و پاسخ‌گویی برخوردارند: ۱. چنانچه به حیثیت و آبروی شخصی تعرض کرده باشند؛ ۲. چنانچه مطالبی را مغایر با واقعیت مربوط به خودشان منتشر کرده باشند...».

شود و حق پاسخگویی به وسیله‌ای برای اظهارنظر در موضوعات مختلف تبدیل نشود. سوم) مرور زمان حق پاسخگویی: یکی از مزایای حق پاسخگویی، جبران خسارت سریع و مؤثر آن است و لذا معمولاً قوانین مطبوعات دولت‌ها مدت زمان محدودی را برای مطالبه حق پاسخگویی در نظر گرفته‌اند.^۱ چهارم) سایر شروط: در برخی دولت‌ها شروطی مانند «ارسال واقعی» اصلاحیه و پاسخ به سردبیر مسؤول نیز ذکر شده است [۱۴، ص ۸۸]. همچنین کنوانسیون اروپایی درخصوص تلویزیون‌های فرامرزی، پاسخ‌هایی را که به زبانی غیر از زبان اظهارات منتشر شده، ارائه شده باشند خارج از شمول تعهدات کنوانسیون می‌داند.

۳-۴. شرایط انتشار پاسخ

رسانه نیز در انتشار اصلاحیه و پاسخ، ملزم به رعایت شروطی است. هرچند مقررات ملی و بین‌المللی کم‌تر به این نکته پرداخته‌اند که آیا سردبیر خبرگزاری مربوط می‌تواند پاسخ ارائه شده را مورد جرح و تعدیل قرار دهد یا خیر، اما از روی نمونه می‌توان به قوانین اتریش، آلمان، یونان و ژاپن اشاره کرد که صریحاً انعکاس اصلاحیه را بدون هیچ دستکاری و سانسور الزامی دانسته‌اند [۱۴، ص ۸۸۹]. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز بیان کرده است که حق پاسخگویی، تکلیفی بر رسانه‌های خبری اعمال می‌کند که براساس آن لازم است صلاح‌دید دبیران خبر برای انتشار نظرهای افراد مختلف محدود شود [۹، ص ۱۰۲۶]. علاوه بر این، رسانه ملزم است برای انتشار پاسخ، هزینه‌ای دریافت نکند و پاسخ ارائه شده را با همان شرایط کیفی اظهارات نادرست (مانند زمان برنامه و مدیریت کیفی برنامه) منتشر سازد. ماده ۴ طرح شورای اروپا تأکید کرده است لازم است انتشار پاسخ تا جایی که ممکن است با همان برجستگی کیفی^۲ باشد که اطلاعات نادرست داشته‌اند. انتشار پاسخ در اسرع وقت نیز از دیگر شروط مطرح شده است.^۳

طرح شورای اروپا درخصوص حق پاسخگویی، شرایط دیگری را نیز برای انتشار پاسخ بیان کرده است، مانند این‌که نام و حتی‌المقدور وسایل ارتباط با شخص پاسخ‌دهنده منتشر شود و در

۱. به طور مثال قوانین مجارستان، یوگسلاوی و یونان مدت زمان یک ماه از زمان انتشار مطلب را برای مطالبه این حق در نظر گرفته‌اند. اما یونان برای افرادی که خارج از دولت باشند این زمان را سه ماه در نظر گرفته است. این زمان در اتریش، دو ماه و در فرانسه و نروژ، یک سال است [۱۴، ص ۸۸۸].

2. same prominence

۳. در رویه قضایی کره جنوبی، تجدیدنظر در حکم دادگاه مبنی بر انتشار پاسخ پذیرفته نشده است؛ شاید به این دلیل که ورود دعوی حق پاسخگویی در یک زنجیره طولانی مدت دادگاهی می‌تواند این حق را از حیث انتفاع بیندازد [۱۷، ص ۷۰].

صورت موجود بودن برنامه متضمن اظهارات نادرست در آرشیو رسانه، لازم است که رسانه میان دو نظر ارائه شده ارتباطی برقرار کند تا توجه مخاطب به اظهارات نادرست قبلی را جلب کند. این طرح همچنین به رسانه اختیار می‌دهد که از پذیرش پاسخ به پاسخ ارائه شده خودداری کند تا به این سلسله نامتناهی پاسخ‌دهی در نقطه‌ای پایان دهد.

۵. استثنائات حق پاسخگویی

اسناد بین‌المللی موجود در زمینه حق پاسخگویی، رسانه‌ها را در مواردی ملزم به اعمال حق پاسخگویی نمی‌دانند. به طور مثال: (۱) در جایی که اظهارات منتشر شده از سوی شخص زینفع تأیید شده باشد؛ (۲) در جایی که اظهارات منتشر شده، مطابق با رویه عمومی^۱ و قانون باشد؛ (۳) در جایی که اظهارات منتشر شده مطابق با منافع مشروع جمعی باشد؛ (۴) در جایی که اظهارات منتشر شده نظری منصفانه و انتقادی بر یک واقعیت تلقی شود؛ (۵) اگر پاسخ ارائه شده متضمن جرمی قابل مجازات باشد؛ (۶) اگر پاسخ ارائه شده منافع قانونی شخص ثالث را نقض کند؛ (۷) اگر شاکی نتواند منافع واقعی خود در پاسخ دادن را نشان دهد [۱۵]؛ (۸) اگر اطلاعات مورد اختلاف، بخشی از یک گزارش صحیح از سوی نهادهای عمومی، مانند پارلمان و دادگاه در جلسات عمومی باشد [۱۶].

رویه قانونی برخی دولت‌ها نیز استثنائات دیگری را بر حق پاسخگویی اعمال می‌کند؛ مانند قوانین کره جنوبی که حق پاسخگویی را در مواردی که تصحیح با هدف تبلیغات تجاری و یا شامل حقایق متناقض باشد قابل اعمال نمی‌داند [۸، ص ۱۰۵۳]. قوانین این دولت همچنین حق پاسخگویی را در موارد نقض حقوق مالکیت فکری و سرقت ادبی قابل اعمال نمی‌داند.^۲ طرح شورای اروپا درخصوص حق پاسخگویی، تلفظ اشتباه نام افراد را نیز لزوماً موجب ایجاد حق پاسخگویی نمی‌داند.

۱. درخصوص مفهوم رویه عمومی و اتفاق‌نظر عمومی می‌توان به قضیه‌ای در بلیز اشاره کرد. مدیر یکی از شبکه‌های تلویزیونی بلیز که رهبر یکی از احزاب مخالف دولت بلیز بود از سازمان رادیو و تلویزیون بلیز درخواست کرد تا به وی اجازه دهد هر ماه، یک برنامه نیم ساعته درخصوص پاسخ به شبهات اقتصادی مطرح شده از سوی دولت تهیه و پخش کند. سازمان رادیو و تلویزیون بلیز این درخواست را به این استناد که برنامه‌های پیشنهادی، تنها تبلیغات سیاسی حزب مربوط است رد کرد. دادگاه تجدیدنظر بلیز ادعای سازمان را نپذیرفت و گفت که بنا بر حق پاسخگویی برای احزاب سیاسی در مواردی که «اطلاعات و یا توضیحات مربوط به وقایع با اهمیت ملی و بین‌المللی» باشد رسانه ملزم به پاسخگویی است، مگر این‌که «اتفاق‌نظر عمومی» درخصوص آن توضیحات وجود داشته باشد که حقی را برای پاسخ ایجاد نمی‌کند [۲، ص ۵۷-۵۸].

۲. منظور در جایی است که خواننده اثر ثبت شده خواهان را با تغییراتی منتشر کرده است که موجب صدمه به آبروی وی شده است. در این موارد، قوانین دیگری اجرا می‌شود که متفاوت از حق پاسخگویی است [۱۷، ص ۷۱].

۶. حق پاسخگویی و حقوق مسؤولیت بین‌المللی

اولین نهاد مسؤول در برابر ادعای انتشار اظهارات نادرست، رسانه‌ای است که اظهارات نادرست از طریق آن منتشر شده‌اند. به همین دلیل، بسیاری از رسانه‌ها درخصوص حق پاسخگویی دست به خودانتظامی زده‌اند [۱۷، ص ۷۱]. اما ممکن است که رسانه از اجرای حق پاسخگویی اشخاص خصوصی و یا دولت اجتناب کند که در آن صورت، موضوع رجوع به مراجع ذیصلاح برای جبران خسارت مطرح می‌شود.

۶-۱. شخص خصوصی علیه رسانه خصوصی

طرح دعوا از سوی یک شخص خصوصی علیه یک رسانه خصوصی، تنها در نظام حقوقی دولت‌هایی امکانپذیر است که عدول از اجرای حق پاسخگویی را جرم‌انگاری کرده باشند.^۱ به طور مثال، پخش برنامه‌ای که متضمن اظهارات نادرست از سرزمین یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر علیه یک شخص خصوصی خارجی است، به خواهان حق می‌دهد تا به استناد صلاحیت محلی^۲ دیوان اروپایی حقوق بشر در این دیوان طرح دعوا کند. ماده ۱ طرح شورای اروپایی درخصوص حق پاسخگویی نیز تابعیت مدعی را مؤثر در پذیرش صلاحیت قضایی نمی‌داند. برخی دولت‌ها برای رسیدگی به دعوی مربوط به حق پاسخگویی، ضرب‌الاجل نیز تعیین کرده‌اند.^۳ باید توجه داشت که اظهارات منتشر شده نباید از مصادیق جرائم دیگر مانند توهین و تهمت محسوب شود که در این صورت، سازوکار رسیدگی به آن متفاوت از رسیدگی به تخلف از حق پاسخگویی خواهد بود. در کنار رسیدگی کیفری، برخی دولت‌ها از جنبه حقوقی این موضوع نیز غافل نبوده‌اند و رسانه را علاوه بر الزام به اجرای حق پاسخگویی، به جبران خسارات مستقیم به مدعی و نیز هزینه‌های دادرسی او ملزم کرده‌اند.^۴

۱. جرم‌انگاری تخلف از اجرای حق پاسخگویی خصوصاً در مواردی که با یک رسانه فراملی مواجه باشیم، در قوانین داخلی با مشکلاتی روبه‌رو است. به طور مثال هرچند طرح دعوا علیه تخلف یک رسانه فراملی در محاکم مختلفی قابل طرح است؛ اما اجرای آن عملاً تنها در محاکم کشورهای دوست و یا کشورهای که مشمول اقدام متقابل هستند امکان‌پذیری دارد [۱، ص ۱۴۶].

2. *ratione loci*

۳. به طور مثال در قوانین فرانسه یک ماه به دادگاه مهلت داده شده تا درخصوص دعوی مربوط به حق پاسخگویی تصمیم‌گیری کند و قوانین اتریش در این مورد ۲۴ ساعت فرصت داده‌اند [۱۴، ص ۸۹۰].

۴. برای مثال نگاه کنید به قوانین نیوزلند [۱۹، ص ۵۰-۵۱].

۲-۶. شخص خصوصی علیه رسانه دولتی

طرح دعوا از سوی یک شخص خصوصی علیه یک رسانه دولتی، تنها در آن نظام‌های حقوقی امکانپذیر است که امکان طرح دعوا علیه دولت وجود داشته باشد.^۱ اما در عصر حاضر که دولت‌ها سعی دارند در پوشش تفسیر موسع از آزادی اطلاعات، رسانه‌ها را مستقل معرفی کنند و وابستگی آن‌ها به خود را به حداقل برسانند، تأسی به این روش کمتر مؤثر است [۱، ص ۸۹]. ماده ۸ طرح شورای اروپا در خصوص حق پاسخگویی، به مدعی اجازه می‌دهد تا در صورت اعتراض به عملکرد رسانه در قبال حق پاسخگویی، به نهاد داورى رجوع کند. شاید یکی از نمونه‌های کامل حمایت اشخاص حقوقی در برابر رسانه دولتی در نظام حقوقی داخلی، ماده ۳۰ اساسنامه سازمان صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران، ناظر بر حق پاسخگویی در رسانه ملی ایران است که در بخش بعد به آن اشاره شده است.

۳-۶. دولت علیه رسانه خصوصی

دولتی که مدعی حق پاسخگویی است می‌تواند از طریق سازوکارهای داخلی و یا بین‌المللی اقدام کند. از آن‌جا که حضور یک دولت در محاکم داخلی خارجی می‌تواند به سلب مصونیت دولت در برابر آن دادگاه منجر شود دولت‌ها کمتر به آن توجه می‌کنند، مگر آن‌که در خصوص موضوع خاصی، موافقتنامه عمل متقابل^۲ وجود داشته باشد. رجوع دولت به سازوکارهای بین‌المللی علیه یک رسانه خصوصی نیز مستلزم تأسیس مراکزى بین‌المللی مانند ایکسید (مرجع حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری) و داورى واپیو (سازمان جهانی مالکیت فکری) است که در آن‌ها دولت می‌تواند علیه یک شخص خصوصی دست به طرح دعوا بزند. در حال حاضر، اتحادیه بین‌المللی مخابرات، تنها مرجع بین‌المللی غیرقضایی است که دولت‌ها می‌توانند شکایات خود علیه شبکه‌های ماهواره‌ای را در آن ثبت کنند. به نظر می‌رسد دولت‌ها در چنین مواردی ترجیح می‌دهند به اقدامات متقابل^۳ متوسل شوند و به طور مثال از ورود خبرنگاران رسانه مربوط به کشور خود جلوگیری کنند و یا فعالیت آن‌ها را

۱. به طور مثال کره جنوبی کمیسیون داورى مطبوعات را برای رسیدگی به اختلافات ناشی از عملکرد رسانه‌ها تأسیس کرد. هدف این کمیسیون، حل تعارض میان منافع رسانه‌ای و منافع عمومی است [۱۲، ص ۱۵۵]. دانمارک نیز دادگاه ویژه‌ای با عنوان «کمیته تصحیح» (Committee for Rectification) ایجاد کرد تا به اختلافات مربوط به همین موضوع رسیدگی کند [۱۴، ص ۸۹۰].

2. reciprocity
3. counter-measure

محدود سازند.

پیشنهاد شده است که بهترین روش در چنین حالتی، تسهیل انتشار بین‌المللی پاسخ دولت مدعی از طریق یک رسانه بین‌المللی مانند اینترنت یا شبکه تلویزیونی سازمان ملل متحد است [۱، ص ۱۵۵]. این روش نیز مورد توجه کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح بوده است؛ آن‌جا که دبیرکل را ملزم به انتشار اصلاحیه و پاسخ از طریق «رسانه‌های در دسترس» می‌کند.

۴-۶. دولت علیه رسانه دولتی

چنانچه دولتی مدعی شود که دولتی دیگر از طریق رسانه‌های متبوع یا تحت حمایت خود، اظهارات نادرستی را علیه آن منتشر کرده است، یک اختلاف بین‌المللی در معنای مضیق شکل گرفته است. چنانچه این اتهام ذیل عناوین مجرمانه دیگری، مانند تحریک به جنگ یا نسل‌کشی قابل تعریف باشد می‌توان به ظرفیت‌های قراردادی اسنادی، چون اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و کنوانسیون منع و تعقیب نسل‌کشی توجه کرد. اما اگر چنین نباشد، یک اختلاف بین‌المللی درخصوص حق پاسخگویی در رسانه شکل گرفته که در حال حاضر تنها اعضای کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح، امکان طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه یکدیگر دارند.

در مجموع می‌توان گفت که حق تصحیح در عرصه بین‌المللی برخلاف عرصه ملی از ضمانت اجرای قضایی برخوردار نیست. همچنین برخی دولت‌ها معتقدند که موضوع «آبرو» و «حیثیت» از جمله منافع یک دولت است، نه حقوق یک دولت و به همین دلیل، ترجیح می‌دهند در چنین مواردی وارد بازی رقابت رسانه‌ای و جنگ اطلاعاتی شوند [۱، ص ۱۵۵].

تعهد دولت خوانده در کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح به ارسال اصلاحیه و پاسخ دولت معترض به رسانه متبوع خود، شاید بیانگر این باشد که از نظر این کنوانسیون، مسئولیت نهایی در اختلافات رسانه‌ای با رسانه‌ها است، نه دولت‌ها. اما براساس اصول حقوق مسئولیت بین‌المللی، چنانچه وابستگی یک رسانه به دولت احراز شود، اقدام رسانه به معنای اقدام دولت و مسئولیت رسانه به معنای مسئولیت بین‌المللی دولت خواهد بود.^۱

۷. حق پاسخگویی در حقوق ایران

نظام حقوقی ناظر بر حق پاسخگویی در مطبوعات و حق پاسخگویی در رسانه در حقوق

۱. در این خصوص رجوع کنید به مواد ۴ تا ۱۱ طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل برای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مورخ ۲۰۰۱.

ایران متفاوت است. بخش چهارم قانون مطبوعات مورخ ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن، به حمایت از حقوق عمومی و خصوصی اشخاص در برابر مطبوعات پرداخته است. مواد ۲۳ تا ۳۵ این قانون، ضمانت اجرای تعدی به حقوق دیگران را مشخص کرده است که برخی به جزئیات حق پاسخگویی نیز اشاره کرده‌اند.

برخلاف نظام حاکم بر حق پاسخگویی در مطبوعات، نظام حاکم بر حق پاسخگویی در رسانه‌های سمعی و بصری (رادیو و تلویزیون) تا سال‌های اخیر مبهم بود. هرچند اصل ۱۷۵ قانون اساسی مقرر داشته بود: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح دولت باید تأمین گردد...»^۱ اما نه تنها حدود این آزادی مشخص نشده بود، بلکه جزئیات مربوط به ضمانت اجرای این تکلیف نیاز به قانونگذاری مستقل داشت. به همین دلیل برای نخستین بار نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۵/۹ با تصویب طرح الحاق یک ماده و چهار تبصره به قانون اساسنامه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۲) چنین کاری را آغاز کردند که با ایرادات شش‌گانه شورای نگهبان روبه‌رو شد. بار مالی و توسعه اختیارات شورای نظارت بر صدا و سیما از ایرادهای این طرح به شمار می‌رفت که در کنار برخی نکات حقوقی و شرعی، مانع از تأیید نهایی این طرح می‌شد [۲۰، ص ۱۰۸]. سرانجام مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ به بررسی این مصوبه پرداخت و با تغییراتی این طرح را با عنوان «ماده واحده الحاق یک ماده و دو تبصره به قانون اساسنامه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران» تأیید کرد. مصوبه جدید مقرر می‌دارد:

«چنانچه در برنامه‌های پخش شده سازمان (اعم از خبری، گزارشی، تولیدی در قالب‌های گوناگون بیانی، تصویری و نمایشی) از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی ویا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان، مطالبی مشتمل بر توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) باشد ویا به هر نحوی اظهارات اشخاص تحریف شود، مراحل ذیل برای احقاق حق طی خواهد شد:

- مدعی می‌تواند اعتراض خود را کتباً به سازمان صدا و سیما منعکس نماید. سازمان صدا و سیما در صورت قبول اعتراض، ظرف ۲۴ ساعت پاسخ وی را به صورت عادلانه، حداقل دو برابر زمان اصل مطلب که از پنج دقیقه کم‌تر نباشد، در همان برنامه و ساعت و در همان شبکه به طور رایگان پخش نماید....

۱. برای ملاحظه محدودیت‌های اخلاقی حاکم بر رسانه ملی رجوع کنید به [۲۱، ص ۲۲۵-۲۳۶].

تبصره ۱- اگر سازمان علاوه بر پخش این پاسخ، مطالب یا توضیحات دوباره‌ای را که متضمن توهین، افترا یا توهین باشد پخش نماید، ذینفع حق پاسخگویی مجدد دارد. پخش قسمتی از پاسخ یا افزودن مطالبی به آن در حکم عدم پخش است.

تبصره ۲- مصوبه مذکور مانع از پیگیری مستقیم شاکی نسبت به سایر جهات کیفری از طریق دادگاه نخواهد بود».

پیش از این، «قواعد حاکم بر برگزاری مناظرات انتخاباتی در تلویزیون» به تصویب کمیسیون بررسی تبلیغات وزارت کشور رسید که در آن، امکان پاسخ نامزد غایب به انتقادات دیگر نامزدها از وی به همان مدت زمان پذیرفته شد. بند ۷ این مقررات بیان می‌دارد: «در مناظره، طرفین باید نظرات و عملکرد یکدیگر را نقد کرده و از نقد نامزدهای غایب خودداری نمایند و در صورت نقد عملکرد نامزدهای غایب، مجری تذکر داده و اگر نامزد رعایت نکرد مجری تذکر می‌دهد که نامزد غایب حق خواهد داشت جوابیه خود را در صدا و سیما مطرح نماید و در صورت تکرار تخلف، نامزد غایب می‌تواند جوابیه خود را به همان میزان وقت نقد شده به صدا و سیما ارائه کرده و صدا و سیما مکلف به پخش آن می‌باشد». این مصوبه قلمرو حق پاسخگویی را به «انتقاد» تعمیم داده که برخلاف رویکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام است.^۱ تأکید مصوبه مجمع بر مفاهیمی چون توهین، افترا، خلاف واقع و تحریف اظهارات، بیانگر آن است که حق پاسخگویی در نظام حقوقی ایران از رویکرد حقوق آلمان، طرح شورای اروپا و کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح تبعیت کرده است که این حق شامل نگرش‌ها، نظرها و بیان عقاید نمی‌شود و به «وقایع عینی» محدود می‌گردد؛ در حالی که مصوبه کمیسیون بررسی تبلیغات که به نظام حق پاسخگویی مورد نظر مجمع تخصیص زده است، به حوزه بیان عقاید نیز مربوط می‌شود.^۲

در نظام حق پاسخگویی تعیین شده از سوی مجمع تشخیص نظام، شرطی برای «پاسخ ارائه‌شده» از جمله شرط کمی یا کیفی ذکر نشده است. اما در مقابل، شرایط «انتشار پاسخ» از نظر قانونگذار دور نمانده است. بر این اساس، پاسخ منتشر شده باید از همان شبکه و

۱. سازوکار حق پاسخگویی برای نامزدهای ریاست جمهوری برخلاف نظر دادگاه آمریکا است که در قضیه‌ای بیان داشت: «شخصی که درگیر مبارزات انتخاباتی است امکاناتی فراتر از سایر مردم در بهرمندی از شبکه‌های ارتباطی [برای اعمال حق پاسخگویی] دارد» [۲۱، ص ۱۰۶۶].
۲. لازم به ذکر است که هرچند «حق انتشار اطلاعات تکمیلی» در نظام حقوقی ایران پذیرفته نشده، اما انتشار اطلاعات مربوط به رسیدگی‌های قضایی نیز ممنوع شده است. ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی در امور کیفری، منظور از علنی بودن محاکمه را عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در دادگاه می‌داند؛ ولی انتشار آن در رسانه‌ها را قبل از قطعی شدن رأی قضایی، غیرمجاز اعلام داشته است. در ذیل ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های همگانی ویا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات متهم، ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. کودکان از موقعیت خاصی درخصوص قانون مربوط به رسانه‌ها برخوردارند.

عادلانه صورت پذیرد که ترجمان دیگری از مفهوم برجستگی کیفی مشابه^۱ در طرح شورای اروپا است. انتشار پاسخ باید رایگان باشد، در اسرع وقت صورت پذیرد و مورد دستکاری قرار نگیرد. تنها شرطی که در برخی نظام‌های حقوقی وجود دارد و در این مقرر به آن اشاره نشده، پیوند میان اظهارات نادرست و پاسخ ارائه‌شده برای مخاطب است. بزرگ‌ترین ایراد نظام حق پاسخگویی در نظام حقوقی ایران، عدم توجه قانونگذار به استثنائات این حق است. از آن‌جا که رسانه ملی یک رسانه دولتی است اهمیت توجه به استثنای اظهارات نادرست در گزارش‌های نهادهای عمومی دوچندان می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد نظام حق پاسخگویی در ایران از جهت امکان طرح دعوا از سوی نهادهای عمومی، نظام پیشرفته‌ای است. اشاره به «اشخاص حقوقی» می‌تواند بستر شکایت از سوی دولت‌های خارجی در رسانه ملی را به موجب اظهارات نادرست فراهم کند. برخلاف اکثر نظام‌های حقوقی خارجی، ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی ایران حمایت کیفری خود را به رؤسای جمهور دولت‌های خارجی و نمایندگان سیاسی آن‌ها در برابر توهین نیز توسعه داده است؛ هرچند این حمایت، شامل دولت متبوع این افراد در برابر توهین نمی‌شود. بر این اساس، چنانچه رسانه‌ای در ایران یا رسانه ایرانی در هر جای جهان، به رئیس جمهور دولت خارجی یا نماینده سیاسی آن که در خاک جمهوری اسلامی ایران حضور دارد توهین کند، علاوه بر الزام رسانه ملی به انتشار پاسخ ارائه‌شده احتمالی، دولت متبوع این اشخاص می‌تواند مجازات متخلف را براساس ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بخواهد.^۲

این پرسش وجود دارد که مسئولیت رسانه ملی به خاطر انتشار اظهارات نادرست علیه دولت دیگر موجب مسئولیت بین‌المللی دولت ایران می‌شود و یا این‌که مسئولیت رسانه ملی از مسئولیت دولت قابل تفکیک است؟ باید توجه داشت که هرچند به موجب اصل صد و هفتاد و پنجم قانون اساسی ایران، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، بخشی از دولت ایران محسوب می‌شود و همچنین به موجب ماده ۴ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، اقدامات نهادهای عمومی دولتی قابل انتساب به دولت است، اما این مسئولیت زمانی قابل طرح خواهد بود که تعهدی در این خصوص برای ایران اثبات شود. از آن‌جا که جمهوری اسلامی ایران به

1. same prominence

۲. ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرکس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به یک سال ماه حبس محکوم می‌شود، مشروط به این‌که در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود».

کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح نپیوسته است نمی‌توان چنین تعهدی برای دولت ایران متصور بود و لذا در چنین حالتی، تنها مسؤولیت داخلی رسانه ملی و احتمالاً دولت ایران مطرح خواهد بود.

باید توجه داشت که هرچند حق پاسخگویی در نظام حقوقی ایران ذیل حقوق مدنی قرار می‌گیرد، اما مانع از توسل به دیگر روش‌های جبران خسارات ناشی از اظهارات نادرست، مانند پرداخت غرامت نخواهد شد. همچنین این حق مانع از رجوع مدعی به محاکم کیفری نمی‌شود. لازم به ذکر است که ماده ۳۰ قانون مطبوعات، لغو امتیاز نشریه را به‌عنوان جبران خسارت دیگری در کنار حق پاسخگویی مطرح کرده است. با این حال، مشابهت‌سازی این سازوکار برای رسانه ملی از آن جهت که از نظر سرعت عمل رسانه‌ای قابل مقایسه با کار مطبوعات نیست، قیاسی نادرست خواهد بود.

۸. نتیجه‌گیری

حق پاسخگویی به‌عنوان پیوند میان دو ضرورت بوده است: آزادی بیان رسانه‌ها و حفظ حقوق دیگران. امروزه حتی کشورهایی که معتقد به نظارت استطلاعی بر برنامه‌های تولیدی رسانه‌ها هستند، این واقعیت را پذیرفته‌اند که سرعت اطلاع‌رسانی و اقتضائات رسانه حرفه‌ای ایجاب می‌کند که گاهی منافع مشروع دیگران به خطر بیفتد. حق پاسخگویی، متضمن حق پیشینی دیگری تحت عنوان «حق دریافت اطلاعات صحیح» است که از سوی دیگر، تکلیفی برای رسانه‌های جمعی تحت عنوان «تعهد به انتشار اطلاعات صحیح» ایجاد می‌کند. اکثر اسناد حقوقی موجود، حوزه اطلاعات صحیحی را که موجب ایجاد حق پاسخگویی می‌شود به تحریف «وقایع عینی» محدود کرده‌اند و شمول این حق را از مواردی چون «اظهار نظرهای شخصی» و «انتقادات سیاسی» خارج کرده‌اند.

همان‌طور که مشاهده شد در حال حاضر تعدد قوانین داخلی کشورهای مختلف درخصوص حق پاسخگویی به اندازه‌ای است که می‌توان گفت این حق از اصول کلی حقوقی در حقوق بین‌الملل خصوصی است و لذا اشخاص خصوصی متأثر از اظهارات نادرست از سوی رسانه‌های فراملی می‌توانند در محاکم قضایی کشورهای مختلفی طرح دعوا کرده، اجرای آن را از آن دولت بخواهند. اما برای پذیرش این حق در حقوق بین‌الملل عمومی، تأمل بیشتری لازم است؛ چه کشورهایی که مفاد کنوانسیون حق بین‌المللی تصحیح را پذیرفته‌اند،

بسیار کم‌تر از آن هستند که حتی بتوان تصور کرد جرقه‌های شکل‌گیری یک عرف بین‌المللی ایجاد شده است.

حق پاسخگویی می‌تواند علاوه بر حفظ منافع مشروع دیگران، در تعاطی آرای متضاد و درک واقعیت از سوی مخاطب تأثیر مثبت داشته باشد. همان‌طور که دیوان عالی هند در قضیه‌ای بیان داشت: «انصاف حکم می‌کند که نگرش‌های متضاد، هرچند تعدادشان اندک باشد به مخاطب ارائه گردد تا مخاطب بتواند نتیجه‌گیری شخصی خود را ارائه کند». دادگاه قانون اساسی کره جنوبی نیز در جایی دیگر اعلام داشت: «شنوندگان معمولاً به اطلاعات منتشرشده از رسانه‌های خبری وابسته هستند و نمی‌توانند به نتیجه‌ای حقیقی دست یابند، مگر آن‌که نظره‌ای مخالف سایر افراد را نیز بشنوند». نظر این دو دادگاه یادآور آیه شریفه «... یستمعون القول فیتبعون احسنه...» (زمر، ۱۸) است که انتخاب قول احسن را به مخاطب واگذار کرده است. البته نباید در دستیابی به این هدف چنان عمل کرد که دفاع از جریان اطلاعات به جنجالی شدن برنامه‌ها و تبدیل شدن حق پاسخگویی به یک دور باطل بینجامد.

۹. فهرست منابع

- [1] Peled, Elad, «Should States Have A Legal Right to Reputation? Applying The Rationales of Defamation Law to the International Arena», *Brooklyn journal international law*, vol. 35, no. 1, 2010.
- [2] The Article 19 Freedom of Expression Handbook, *International and Comparative Law, Standards and Procedures*, 1993, available at www.humanrights-observatory.net/revista2/article19.pdf
- [3] <http://aceproject.org/ace-en/topics/media-and-elections/mea/mea01/mea01f>
- [4] Santana v. Venezuela, Case 453.01, Inter-Am. C.H.R., Report No. 92/03, OEA/Ser.L./V/II.118, doc. 70 rev. 2, 66 (2003). available at <http://www.cidh.org/annualrep/2003eng/Venezuela.453.01.htm>.
- [5] Feldek v. Slovakia, 2001-VII Eur. Ct. H.R. 85, 75.
- [6] N.Y. Times Co. v. Sullivan, 376 U.S. (1964) at 270.
- [7] Gardbaum, Stephen, «A Reply to the Right of Reply», *The George Washington Law Review*, vol. 76, 2008.

- [8] Whitton, John B., «An International Right of Reply», *The American Journal of International Law*, vol. 44, no. 1, 1950.
- [9] Youm, Kyu Ho, «The Right of Reply and Freedom of the Press: An International and Comparative Perspective», *The George Washington Law Review*, vol. 76, 2008.
- [10] UN Conference on Freedom of Information, Report of the U. S. Delegates with Related Documents (Department of State Pub. 3150, International Organization and Conference III, 5), pp. 2 ff.
- [11] UN Docs. E/856; E/Con. 6/C. 4/18.
- [12] Lee, Jae-Jin, «Freedom of The Press and Right of Reply Under the Contemporary Korean Libel Laws: A Comparative Analysis», *Ucla Pacific Basin Law Journal*, 1998.
- [13] Hayes, John, «The Right to Reply: A Conflict of Fundamental Rights», *Columbia Journal of Law and Social Problems*, 2004.
- [14] C. Donnelly, Richard, «The Right of Reply: An Alternative to an Action for Libel», *Virginia Law Review*, vol. 34, no. 8, 1948.
- [15] Draft Recommendation of The Committee of Ministers to Member States on the Right of Reply in the New Media Environment, Adopted by the Committee of Ministers on 15 December 2004.
- [16] at the 909th meeting of the Ministers' Deputies
- [17] <http://aceproject.org/ace-en/topics/media-and-elections/mea/mea%20/mea%20f>
- [18] Youm, Kyu Ho, «Right of Reply under Korean Press Law: A Statutory and Judicial Perspective», *The American Journal of Comparative Law*, vol. 41, no. 1, 1993.
- [19] Ondrášik, Branislav, *The Slovak Press Law: History and Its Impact on Free Media*, Institute of Mass Media Communication Faculty of Media, Bratislava School of Law, 2010.
- [20] Burrows, John and Cheer, Ursula, *Media Law in New Zealand*, Oxford

University Press, 1999.

- [۲۱] بهمنی، محمد امین، نظام حقوقی حاکم بر تبلیغات انتخاباتی در رسانه‌های سمعی و بصری (رادیو و تلویزیون)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق ارتباطات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰.
- [۲۲] رنجبر، احمد و جعفری، فرشته، «محدودیت‌های اخلاقی حاکم بر پخش در انگلستان و ایران»، مجله پژوهش و سنجش، ش ۳۹ و ۴۰، ۱۳۸۳.